



Comparison of the Impact of the Two Paradigms of Energy and Identity on Turkey's Accession to the European Union

Ali Tabatabaei Panah¹

Mirvahidaldin Ghaderi²

Abstract

This article examines the impacts of identity and energy on Turkey's accession process to the European Union. Given the increasing importance of energy resources and Turkey's geographical position as an energy bridge, as well as the role of cultural and political identity in EU policymaking, this paper aims to explore how these two factors influence the decision-making of European countries regarding Turkey's membership. The main focus of this article is on the varying attitudes of EU member states and how these attitudes affect Turkey-EU relations. By concentrating on identity and energy, this study seeks to enhance understanding of the challenges and opportunities in these relationships and analyzes the various dimensions of these impacts. The central question is: how do the two paradigms of energy and identity affect Turkey's accession to the European Union? Analyses indicate that cultural and social identity has played a more significant role in European decision-making. The findings suggest that while Europe has pursued various policies to secure energy resources, the cultural and identity-related concerns regarding Turkey significantly complicate its collective identity.

Keywords: European Union, Turkey, energy, identity

¹ Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Ali.tabatabaei_panah@iauctb.ac.ir

² PhD Student in Political Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Mirvahidaldin@yahoo.com



نسبت سنجی تاثیر دو پارادایم انرژی و هویت

بر پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا

سید علی طباطبایی پناه^۱ - میر وحیدالدین قادری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیرات هویت و انرژی بر فرآیند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا می‌پردازد. با توجه به اهمیت روزافزون منابع انرژی و موقعیت جغرافیایی ترکیه به عنوان یک پل انرژی، همچنین نقش هویت فرهنگی و سیاسی در سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپا، این مقاله تلاش می‌کند تا چگونگی تأثیرگذاری این دو عامل بر تصمیم‌گیری‌های کشورهای اروپایی در مورد پیوستن ترکیه را بررسی کند. بررسی نگرش‌های مختلف کشورهای عضو اتحادیه و چگونگی تأثیر این نگرش‌ها بر روابط ترکیه و اتحادیه اروپا، محور اصلی این مقاله است. با تمرکز بر هویت و انرژی، این مطالعه به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این روابط می‌پردازد و ابعاد مختلف این تأثیرات را مورد تحلیل قرار می‌دهد. سؤال اصلی این است که دو پارادایم انرژی و هویت ترکیه چه تأثیری بر پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا دارد؟ تحلیل‌ها نشان می‌دهد که هویت فرهنگی و اجتماعی از اهمیت بیشتری در تصمیم‌گیری‌های اروپا برخوردار بوده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اروپا با سیاست دستیابی به منابع انرژی از طرق مختلف تلاش داشته است تا این نیاز را مرتفع سازد اما تأثیر هویتی و فرهنگی ترکیه بر هویت جمعی اروپا نگرانی‌هایی را بسیار جدی‌تر می‌بیند.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، ترکیه، انرژی، هویت

^۱ استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

روابط ترکیه و اتحادیه اروپا به سال ۱۹۶۳ و با امضای توافق‌نامه آنکارا آغاز شد که از ۱ دسامبر ۱۹۶۴ لازم‌الاجرا شد. این توافق‌نامه چارچوبی برای روابط نهادی بین طرفین ایجاد کرد و هدف آن تسهیل حرکت آزاد کالا، کار، خدمات و سرمایه به منظور ادغام ترکیه در بازار واحد اروپا بود. با امضای اتحادیه گمرکی در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵، روابط دوجانبه به شدت تقویت شد و ترکیه بازار داخلی خود را برای رقابت با اتحادیه اروپا و کشورهای ثالث باز کرد. اگرچه در دسامبر ۱۹۹۷ ترکیه به عنوان نامزد عضویت در اتحادیه اروپا پذیرفته نشد، اما این کشور توانست تا حد زیادی اقتصاد خود را با یکی از رقابتی‌ترین بلوک‌های اقتصادی جهان هماهنگ کند. از سال ۱۹۸۰، ترکیه سیاست‌های اقتصادی خود را از مدل جایگزینی واردات به سمت اقتصاد بازار آزاد تغییر داد و این تغییرات در بهبود روابط با اتحادیه اروپا مؤثر بود. پس از کودتای نظامی در سال ۱۹۸۰، روابط ترکیه و جامعه اروپا رو به سردی رفت، اما با برگزاری انتخابات آزاد در سال ۱۹۸۳، به تدریج بهبود یافت. با وجود این، نپذیرفتن ترکیه به عنوان نامزد عضویت انتقاداتی را از سوی دولت ترکیه به دنبال داشت و آن‌ها اعلام کردند که هدف ترکیه در عضویت کامل نادیده گرفته شده است. سرانجام در دسامبر ۱۹۹۹، نام ترکیه به عنوان نامزد عضویت رسمی در اتحادیه اروپا در هلسنکی ثبت شد. امروزه، ترکیه با طولانی‌ترین سابقه مذاکرات و به عنوان ششمین شریک تجاری اتحادیه اروپا شناخته می‌شود و نقش مهمی در امنیت انرژی و همکاری‌های ناتو ایفا می‌کند.

ترکیه همچنین به دنبال تقویت قدرت اقتصادی خود به عنوان یک بازیگر جذاب برای اتحادیه اروپا است. این اصلاحات به نفع ترکیه بوده، زیرا از یک سو این کشور را به سمت بازار آزاد سوق داده و از سوی دیگر پتانسیل اقتصادی ملی آن را شکوفا کرده است. ترکیه، به عنوان یک کشور با موقعیت جغرافیایی استراتژیک و منابع انرژی غنی، همواره به عنوان یک شریک مهم برای اتحادیه اروپا در زمینه تأمین انرژی شناخته شده است. در حالی که این کشور می‌تواند به عنوان یک پل انرژی میان شرق و غرب عمل کند، روند پیوستن آن به

اتحادیه اروپا با چالش‌های متعددی مواجه است. دو عامل اصلی، یعنی هویت و انرژی، نقش کلیدی در این فرآیند ایفا کرده‌اند.

با وجود ظرفیت‌های قابل توجه ترکیه در اقتصاد و نقش آن در منطقه، چالش‌هایی وجود دارد که باید به آن‌ها توجه شود تا این کشور بتواند به‌طور مؤثرتر به اتحادیه اروپا بپیوندد. یکی از این چالش‌ها، هویت مسلمان ترکیه است که ممکن است مانع از پذیرش کامل آن در اتحادیه اروپا شود. نگرانی‌ها در مورد تضاد فرهنگی و هویتی میان ترکیه و کشورهای اروپایی، به ویژه در زمینه ارزش‌های اجتماعی و سیاسی، می‌تواند بر فرآیند الحاق تأثیرگذار باشد. حال در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با بررسی دو پارادایم انرژی و هویت مسئله پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا بررسی شود. سؤال اصلی این است که دو پارادایم انرژی و هویت ترکیه چه تأثیری بر پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا دارد؟ فرضیه پژوهش این است که اروپا علی‌رغم اینکه ترکیه را از نظر انتقال انرژی به اروپا یک فرصت مناسب می‌بیند اما هویت مسلمان این کشور یک مسئله جدی‌تر برای اروپا است.

چارچوب نظری

مفهوم سنتی امنیت در ارتباط با دولت، به‌عنوان مرجع اصلی مباحث، در نظریه‌های دیگر مطرح بوده است؛ در دیدگاه واقع‌گرایانه، امنیت مشتق قدرت دیده می‌شود و در واقع مفهوم پیچیده امنیت به معنی قدرت، محدود می‌گردد. بوزان معتقد است که این دیدگاه می‌تواند در طول جنگ‌های جهانی، جایی که کشورها در یک رقابت ثابت برای قدرت هستند مورد توجه قرار گیرد. با این حال، در دوران پس از جنگ سرد، مفهوم امنیت بسیار پیچیده‌تر شده است (STON, 2009: 2). در مکتب کپنهاگ، وجوه امنیت را می‌توان در پنج قسم طبقه‌بندی کرد که هر یک به جنبه‌های متفاوتی از زندگی و توسعه کشورها اشاره دارد:

۱. **امنیت نظامی** : این بعد به اثر متقابل توانایی‌های تهاجمی و تدافعی کشورها و برداشت‌های آنها از نیات یکدیگر مربوط می‌شود. امنیت نظامی به کشورهای مختلف این امکان را می‌دهد تا توانایی‌های نظامی خود را برای دفاع از خود تقویت کنند و به این ترتیب از بروز تنش‌ها و درگیری‌ها جلوگیری نمایند.
۲. **امنیت سیاسی** : این نوع امنیت به ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی مربوط می‌شود که مشروعیت به آنها می‌دهد. امنیت سیاسی شامل ایجاد نهادهای قوی و پایدار، حفظ حاکمیت و تضمین حقوق بشر است که به توسعه دموکراسی و اعتماد عمومی کمک می‌کند.
۳. **امنیت اقتصادی** : این بعد به دسترسی به منابع، سرمایه و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت دولت مربوط می‌شود. امنیت اقتصادی شامل تأمین منابع اولیه، تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی است که به رشد و توسعه پایدار کمک می‌کند.
۴. **امنیت اجتماعی** : این بعد به پایداری و دوام الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ و مذهب و هویت ملی اشاره دارد. امنیت اجتماعی به شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول فرهنگی مربوط می‌شود و تضمین می‌کند که گروه‌های مختلف در جامعه بتوانند به هویت خود احترام بگذارند و در عین حال در فرآیندهای اجتماعی مشارکت کنند.
۵. **امنیت زیست‌محیطی** : این نوع امنیت به حفظ و نگهداری زیست‌بوم محلی و جهانی اشاره دارد که به عنوان نظام حمایتی ضروری و حیاتی برای تمامی امور مهم بشر محسوب می‌شود. امنیت زیست‌محیطی شامل مدیریت

منابع طبیعی، کنترل آلودگی و حفظ تنوع زیستی است که تأثیر مستقیمی بر سلامت و کیفیت زندگی انسان‌ها دارد (شیهان، ۱۴۰۰: ۶۸-۶۷).

در خصوص تطبیق این چارچوب با این مقاله باید گفت بدون شک در بعد اقتصادی امنیت انرژی اهمیت نیز می‌یابد. این امنیت به تأمین منابع انرژی و حفظ دسترسی به آن‌ها اشاره دارد. همچنین هویت می‌تواند چالش‌هایی برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا ایجاد کند، زیرا نگرانی‌هایی در مورد تضاد فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. پذیرش ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان ممکن است با مقاومت‌هایی از سوی کشورهای اروپایی مواجه شود و بر فرآیند الحاق تأثیرگذار باشد.

ترکیه و پیوستن به اتحادیه اروپا

در اوایل دهه ۱۹۵۰، رابرت شومان پیشنهاد همکاری شش کشور اروپایی را در زمینه زغال‌سنگ و فولاد ارائه داد که منجر به تأسیس "جامعه فولاد و زغال اروپا" در سال ۱۹۵۲ شد. این کشورها سپس "جامعه اقتصادی اروپا" و "جامعه انرژی اتمی اروپا" را تأسیس کردند و در سال ۱۹۹۲، معاهده ماستریخت را امضا کردند که اتحادیه اروپا را بر اساس سه ستون اصلی پایه‌گذاری کرد. این معاهده مفهوم شهروندی اروپایی و لغو کنترل مرزی را نیز مطرح کرد (فرسای، ۱۳۸۲: ۱۶). در فرآیند گسترش اتحادیه اروپا، مقررات به ۳۱ فصل تقسیم شد که شامل کشورهای پنجگانه موج گسترش (۱۰ کشور در سال ۲۰۰۴ و دو کشور دیگر در سال ۲۰۰۷) می‌شد. برای ششمین دوره گسترش که شامل کرواسی و ترکیه است، این تعداد به ۳۵ فصل افزایش یافت تا مذاکرات تسهیل شود. فصول مختلف شامل مواردی همچون جابجایی آزاد کالا، کارگران، خدمات، سرمایه، کشاورزی، انرژی، محیط‌زیست و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی هستند. این تقسیم‌بندی به کشورهای متقاضی کمک می‌کند تا مراحل

الحاق را به طور مؤثرتری طی کنند. (<https://www.ab.gov.tr/>). از آن زمان، اتحادیه اروپا به طور مداوم بر اهمیت تأمین انرژی و تنوع منابع انرژی تأکید کرده است. در این راستا، ترکیه به عنوان یک کریدور استراتژیک برای انتقال انرژی از منطقه خزر و خاورمیانه به اروپا شناخته می‌شود. این موقعیت جغرافیایی می‌تواند به نفع ترکیه در مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا باشد و موجب توجه بیشتری به مسائل انرژی در این فرآیند شود. با این حال، نگرانی‌های هویتی و فرهنگی نیز در این زمینه وجود دارد. برخی کشورها در اتحادیه اروپا نسبت به پیوستن ترکیه به دلایل تاریخی، مذهبی و فرهنگی حساسیت دارند و این موارد می‌تواند بر فرآیند الحاق تأثیرگذار باشد؛ بنابراین، این دو عامل - انرژی و هویت - به طور هم‌زمان در مذاکرات و تصمیم‌گیری‌ها در خصوص پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نقش ایفا می‌کنند. در نهایت، موفقیت ترکیه در این زمینه بستگی به توانایی آن در مدیریت این چالش‌ها و فرصت‌ها دارد.

اهمیت ترکیه در حوزه انرژی اروپا

انرژی به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های چند سده اخیر، تأثیر عمیقی بر ساختارهای ژئوپلیتیکی و روابط بین‌المللی داشته است. این اهمیت به‌ویژه در عصر مدرن نمایان شده است، جایی که تأمین انرژی نه تنها به عنوان یک نیاز اساسی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، بلکه به عنوان یک متغیر کلیدی در تعیین امنیت ملی و بین‌المللی مطرح می‌شود. بحث امنیت انرژی به عنوان یک مفهوم جدید و قابل بهره‌برداری در سیاست‌گذاری، به ابعاد مختلفی از جمله دسترسی به منابع، انتقال آن‌ها به مقاصد مختلف و کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال پرداخته است. این ابعاد به کشورها این امکان را می‌دهد که استراتژی‌های امنیتی و اقتصادی خود را بر اساس تأمین انرژی پایدار و مطمئن توسعه دهند. پیش‌بینی می‌شود با توجه به جذابیت گاز

به‌عنوان سوختی ارزان و مناسب برای صنایع تولیدی، تقاضای مصرف گاز در اروپا افزایش یابد. بر اساس این پیش‌بینی، واردات گاز اروپا از سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۳۰ به میزان ۲۳۶ میلیارد مترمکعب در سال رشد خواهد کرد. همچنین انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۳۰، واردات گاز اروپا حدود پنج تا شش برابر افزایش یابد و صادرات روسیه تنها ۳۰ تا ۶۰ درصد از نیاز این بازار را تأمین کند (امینیان، ۱۳۹۲: ۹۴).

اعضای اتحادیه اروپا در مجموع ۷,۴ میلیارد بشکه نفت خام و ۳,۲ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی ذخیره دارند که به ترتیب ۰,۶ درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت، ۲ درصد از ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی و ۴ درصد از منابع زغال‌سنگ جهانی را شامل می‌شود. بیش از ۸۰ درصد منابع گاز اروپا در سه کشور متمرکز است: نروژ با ۲,۳ تریلیون متر مکعب، هلند با ۱,۴ تریلیون مترمکعب و انگلستان با ۳۳۹ میلیارد مترمکعب. به جز این سه کشور، سایر اعضای اتحادیه اروپا عمدتاً واردکننده گاز طبیعی هستند که بیشتر این واردات از روسیه و مابقی از نروژ و کشورهای شمال آفریقا مانند الجزایر، نیجریه و لیبی تأمین می‌شود. (عطایی و نظری، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۴۸).



به اعتقاد کمیسیون اتحادیه اروپا، ترکیه به دلیل اقتصاد پویا، نقش مهم منطقه‌ای و سهم خود در سیاست خارجی و امنیت انرژی، کشوری کلیدی برای امنیت و رونق اتحادیه اروپا به شمار می‌آید. این کشور هم‌اکنون از نظر تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور قابل توجهی از طریق اتحادیه گمرکی در اتحادیه اروپا ادغام شده است و برای بسیاری از شرکت‌های بزرگ اروپایی به یک پایگاه صنعتی مهم تبدیل شده است (eur-lex.europa, 2011; CITATION eur11 | 1033) ترکیه با موقعیت استراتژیک خود در تقاطع اروپا، خاورمیانه و قفقاز به‌طور مستمر پیوندهای خود را با اتحادیه اروپا توسعه و تقویت کرده است که نمونه‌هایی از آن شامل تحولات اخیر در بخش هواپیمایی و نقش این کشور در ایجاد کریدور گاز جنوبی است. توسعه بیشتر این روابط به نفع هر دو طرف خواهد بود، زیرا کریدور گاز جنوبی به امنیت تأمین گاز طبیعی اروپا کمک کرده و مسیرهای عرضه را گسترش و رقابت در بازار بین‌المللی گاز را تحریک می‌کند. کمیسیون همچنین از ترکیه در توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل، به‌ویژه اتصالات ریلی با سرعت بالا و نوسازی امکانات بندری حمایت مالی می‌کند. در عین حال، ترکیه باید تشویق شود تا بازار گاز خود را تعمیق کرده و نقدینگی و انعطاف‌پذیری قراردادها را افزایش دهد. این فرآیند می‌تواند به ایجاد یک "مرکز انرژی" منجر شود که به امنیت انرژی بیشتری منتهی خواهد شد (پیشین)

ترکیه می‌خواهد خود را به مرکز تجاری بین غرب و روسیه تبدیل کند، جنگ اوکراین به ترکیه اجازه داد تا با انتقال بخشی از گاز طبیعی روسیه و غلات روسیه و اوکراین به اروپا و سایر نقاط جهان و با صادرات مواد غذایی روسیه و اوکراین به آفریقا، به قطب انرژی و غذا تبدیل شود. همچنین خطوط لوله گاز روسیه از زیردریا خواهد گذشت و ترکیه و اروپای شرقی را از طریق ترکیش استریم به هم متصل خواهد نمود. باید به این مسئله اشاره نمود که هم‌اکنون بخشی از منابع نفت و گاز

روسیه به دلیل تحریم‌های این کشور توسط ترکیه به اروپا به فروش می‌رسد و ترکیه عملاً نقش واسطه بین روسیه و اروپا را بازی می‌کند و از یک طرف در تأمین انرژی اروپا نقش دارد و از طرف دیگر به عنوان یک واسطه از فروش منابع انرژی روسیه سود می‌برد که باید افزود که این مسئله نیز پیامدهای ژئواکونومیک مثبت بسیار زیادی را برای ترکیه در پی دارد و ترکیه از مسئله تأمین انرژی اروپا نیز می‌تواند برای چانه‌زنی در برابر اروپا و روسیه استفاده نماید (صدیق و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۷).

ترکیه به عنوان یک کشور ترانزیتی، نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی اروپا ایفا می‌کند و همکاری‌های خود را با روسیه، به‌ویژه از طریق پروژه خط لوله ترکیش استریم، تقویت کرده است. این همکاری به روسیه اجازه می‌دهد تا به واردات گاز ادامه دهد و در عین حال، نگرانی‌های امنیتی اروپا را کاهش می‌دهد. با این حال، اتحادیه اروپا اقدام خاصی برای تقویت همکاری با ترکیه در این زمینه انجام نداده و به جای آن، به آذربایجان به عنوان یک تأمین‌کننده دیگر انرژی توجه کرده است. خط لوله یونان-بلغارستان که گاز آذربایجان را از طریق ترکیه منتقل می‌کند، به کاهش وابستگی اروپا به گاز روسیه کمک می‌کند، اما در عین حال وابستگی اروپا به ترکیه به عنوان یک کشور ترانزیتی را افزایش می‌دهد. با توجه به روابط پیچیده بین ترکیه و اتحادیه اروپا، این وابستگی می‌تواند چالش‌هایی را برای آینده اروپا ایجاد کند و نیاز به تدابیر احتیاطی بیشتری دارد (Esthinktank, 2023). اولویت تلاش‌های اتحادیه اروپا در زمینه تنوع‌بخشی انرژی، توسعه کریدور گاز جنوبی است که به عنوان "کریدور چهارم" شناخته می‌شود. این کریدور بر اساس یکپارچه‌سازی سیستم‌های متعددی از خطوط لوله طراحی شده که گاز را از منابع مختلفی چون کشورهای حاشیه خزر، ایران و عراق به اروپا منتقل می‌کند. برنامه INOGATE که از سال ۱۹۹۵ تأسیس شد، نقشی کلیدی در این فرآیند ایفا کرده و با امضای قرارداد چتر در سال ۲۰۰۱ و

برگزاری کنفرانس‌ها، تلاش‌ها برای تسهیل انتقال انرژی به اروپا را تقویت کرده است. چندین خط لوله مهم، از جمله خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم و خط لوله گاز طبیعی ترکیه-یونان، بخش‌هایی از کریدور گاز جنوبی را تشکیل می‌دهند. خط لوله نابوکو نیز به عنوان یکی از پروژه‌های مهم شناخته می‌شود، اما با چالش‌های جدی در تأمین مالی و منابع روبروست. از سوی دیگر، خط لوله ترانس آدریاتیک (TAP) به عنوان جایگزینی برای نابوکو در نظر گرفته شده و ظرفیت‌های جدیدی برای انتقال گاز از دریای خزر به اروپا فراهم می‌کند (shs.cairn,2013).

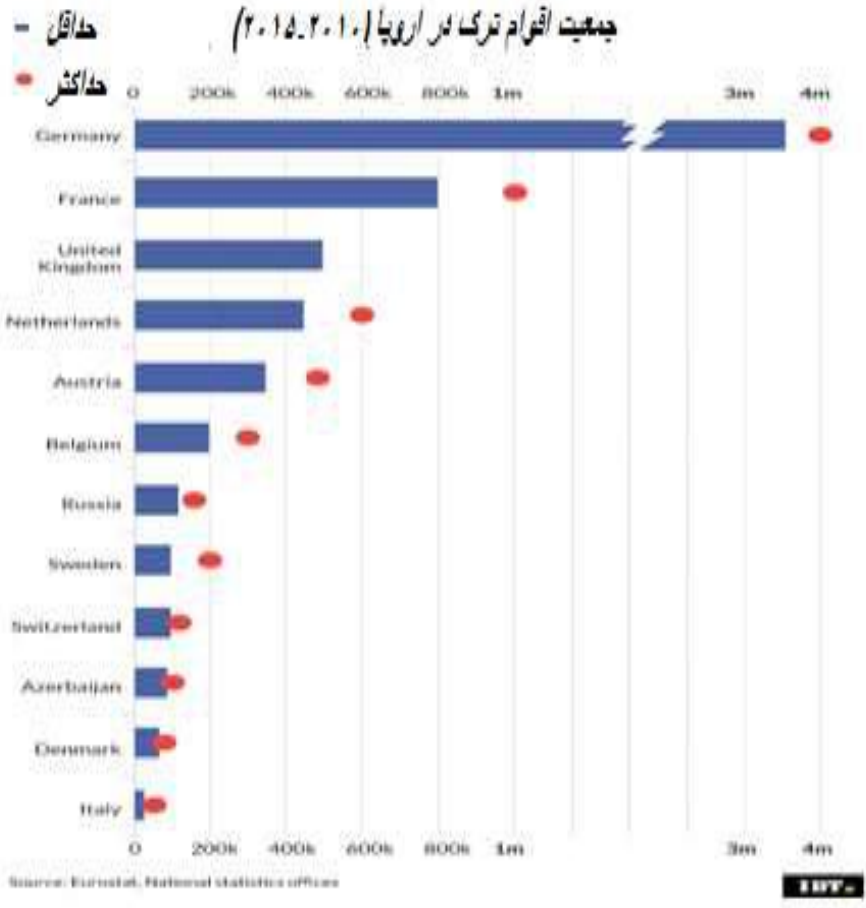
به عبارت دیگر با توجه به تحریم‌های غرب علیه روسیه و تلاش غرب برای تنوع بخشیدن به سبد انرژی خودش این مسئله منجر به این شده است که جهان عملاً به منابع انرژی دریای مدیترانه و منابع انرژی شمال قاره آفریقا و منابع انرژی دریای خزر و جمهوری آذربایجان نیازمند باشد و این مسئله منجر به افزایش نفوذ ژئواکونومیک ترکیه در منطقه قفقاز می‌شود و عملاً غرب و اتحادیه اروپا چون به منابع انرژی جمهوری آذربایجان برای جایگزین کردن منابع انرژی روسیه نیازمند هستند و مسیر گرجستان به دلیل همسایه بودن با روسیه نیز عملاً مسدود است و تنها راه انتقال منابع انرژی آذربایجان و آسیای مرکزی به سمت اتحادیه اروپا ترکیه است اتحادیه اروپا و غرب و ایالات متحده آمریکا از افزایش نفوذ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترکیه در منطقه قفقاز و جمهوری آذربایجان حمایت کنند و با توجه به دور شدن ارمنستان از روسیه و احتمال نزدیکی ارمنستان با غرب این احتمال نیز وجود دارد که نفوذ ژئواکونومیک ترکیه در ارمنستان نیز گسترش یابد (صدیق و همکاران، ۲۰۱۴: ۸۰).

اهمیت ترکیه در حوزه هویتی اروپا

از دیدگاه امنیتی، الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا ثبات بیشتری در منطقه ایجاد می‌کند و می‌تواند به نفع اروپا باشد. حامیان این الحاق بر این باورند که عضویت ترکیه به

مسلمانان مقیم اروپا کمک خواهد کرد تا به فرهنگ اروپایی نزدیک‌تر شوند و احساس تحمل فرهنگی را افزایش دهند. جک استراو، وزیر خارجه انگلستان، نیز تأکید می‌کند که عضویت ترکیه به مقابله با بی‌اعتمادی و تفرقه‌افکنی کمک خواهد کرد. (Desai, 2006).

نگرانی از پیوستن حدود هفتاد میلیون مسلمان به جمعیت پانصد میلیونی اروپا، باعث تشدید دغدغه‌های هویتی با جمعیت قابل توجهی از اقلیت ترک می‌شود. طبق پیش‌بینی‌ها، جمعیت ترکیه تا سال ۲۰۳۰ به بیش از هشتادونه میلیون نفر خواهد رسید. این مسئله می‌تواند نگرانی‌ها را در مورد افزایش جمعیت مسلمان در اتریش و پیامدهای آن برای هویت ملی این کشور تقویت کند. با الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، احتمال مهاجرت بیشتر مسلمانان ترک به اتریش به یکی از دغدغه‌های اصلی تبدیل می‌شود. در این راستا، حزب آزادی در اتریش با مخالفت با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، در تلاش است تا خطرات هویتی ناشی از افزایش جمعیت مسلمان را کاهش دهد. رشد جمعیت ترک در کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه، انگلیس، هلند و اتریش بیش از سایر کشورها است و این مسئله ممکن است به ایجاد تنش‌های فرهنگی و اجتماعی منجر شود. از این رو، بحث هویت و چالش‌های مرتبط با آن در زمینه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، موضوعی کلیدی برای تحلیل و بررسی خواهد بود. این دغدغه‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از فرآیند الحاق و تأثیرات آن بر جوامع اروپایی است.



با بررسی تأثیر عضویت ترکیه به‌عنوان یک کشور پرجمعیت مسلمان بر اتحادیه اروپا، می‌توان نتیجه گرفت که با پیوستن ترکیه، نمایندگان این کشور در پارلمان اروپا نسبت به سایر کشورها تعداد بیشتری خواهند داشت. این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری یک دایره جدید از تضادهای سیاسی در داخل اتحادیه منجر شود. در این سناریو، نمایندگان اروپایی ضداسلامی و مهاجر ستیز که از سوی بخشی از مردم

اروپا به پارلمان راه یافته‌اند، در مقابل نمایندگان مسلمان طرفدار مهاجران از ترکیه قرار خواهند گرفت. به‌عنوان مثال، یکی از سیاستمداران برجسته اروپایی اشاره کرده است که اگر ترکیه به اتحادیه اروپا ملحق شود، به معنای حضور بیشتر شخصیت‌های سیاسی نظیر رهبران احزاب راست افراطی چون لوپن و هایدلر در عرصه سیاست اروپا خواهد بود (عابدی گناباد، ۱۳۸۹:۱۷۳). این پدیده می‌تواند به افزایش تنش‌های اجتماعی و سیاسی در کشورهای عضو منجر شود، به‌خصوص در جوامعی که با چالش‌های هویتی و فرهنگی مواجه‌اند. از این رو، عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نه تنها بر ساختار سیاسی این نهاد تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به تغییر در تعادل قدرت‌های سیاسی و اجتماعی در داخل کشورهای عضو نیز منجر شود. این مسئله نیازمند بررسی‌های دقیق‌تری در زمینه واکنش‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشورهای اروپایی است تا چالش‌های هویتی و اجتماعی ناشی از این تغییرات مدیریت شود.

تطبیق تأثیرگذاری دو پارادایم بر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا

بدون شک تعامل بین این دو پارادایم می‌تواند تأثیرات زیادی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی در زمینه الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا داشته باشد. از یک سو، اهمیت انرژی ممکن است کشورهای اروپایی را ترغیب کند تا به ترکیه نزدیک‌تر شوند و به‌منظور تأمین انرژی به همکاری‌های بیشتر بپردازند؛ اما از سوی دیگر، چالش‌های هویتی و نگرانی‌ها از پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پیوستن ترکیه می‌تواند موجب کاهش تمایل کشورهای اروپایی به پذیرش این کشور شود.

ترکیه به عنوان یک کشور کلیدی در کریدور گاز جنوبی، می‌تواند به یک اهرم سیاسی مهم برای اتحادیه اروپا تبدیل شود. این نقش ترکیه در تأمین امنیت انرژی می‌تواند روند مذاکرات الحاق این کشور به اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار دهد و نیاز به تأمین انرژی در آینده ممکن است توجه بیشتری به این همکاری جلب کند؛ چنانچه در سال ۲۰۰۹، نخست‌وزیر اردوغان تأکید کرد که ترکیه می‌تواند نقش کلیدی در حل چالش‌های انرژی اتحادیه اروپا ایفا کند و به بروکسل هشدار داد که در صورت بروز مشکلات جدی در تأمین انرژی، این کشور ممکن است موضع خود را بازنگری کند. این اظهارات نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک ترکیه در زمینه انرژی برای اتحادیه اروپا بود و به‌نوعی بر لزوم همکاری‌های بیشتر بین دو طرف تأکید داشت (shs.cairn,2013). اولین چالش عمده برای ایجاد همکاری‌های انرژی گسترده بین ترکیه و اتحادیه اروپا، شکاف‌های درون اتحادیه اروپا در مورد سیاست انرژی است. برخی کشورهای عضو بر این باورند که باید به سمت منابع انرژی جدید و تجدید پذیر حرکت کرد و از وابستگی به سوخت‌های فسیلی کاهش یابند. این دیدگاه می‌تواند مانع از شکل‌گیری یک استراتژی مشترک با ترکیه شود که به‌عنوان یک کشور با منابع انرژی فسیلی و هیدروکربنی به‌ویژه گاز طبیعی شناخته می‌شود. علاوه بر این، برخی اعضای اتحادیه ممکن است نگران پیامدهای زیست‌محیطی استفاده از انرژی‌های سنتی و نیاز به انطباق با اهداف تغییرات آب و هوایی باشند. در نتیجه، این تضادهای داخلی می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری را پیچیده کرده و منجر به عدم انسجام در سیاست‌های انرژی اروپا شود. این شکاف‌ها نه تنها

می‌توانند بر همکاری‌های انرژی تأثیر بگذارند، بلکه بر روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه و اتحادیه اروپا نیز تأثیر می‌گذارند و ممکن است توانایی ترکیه در بهره‌برداری از نقش خود به‌عنوان یک کریدور انرژی را محدود کنند. برای غلبه بر این چالش، نیاز به یک رویکرد جامع و همسویی در سیاست‌های انرژی کشورهای عضو اتحادیه اروپا احساس می‌شود. باین حال، به نظر می‌رسد که نسبت به پیوستن یک کشور مسلمان به اتحادیه، انسجام بیشتری وجود دارد. این موضوع به‌ویژه در زمینه هویت و مسائل اجتماعی به چشم می‌خورد. کشورهای اروپایی نگران‌اند که الحاق ترکیه، به‌عنوان یک کشور مسلمان با جمعیت قابل توجه، تغییراتی در توازن جمعیتی و هویتی اروپا به همراه داشته باشد. باین وجود، اگر ترکیه بتواند اصلاحات لازم را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انجام دهد و فرآیند اروپایی شدن خود را تسریع کند، ممکن است این نگرانی‌ها کاهش یابد. اصلاحات ساختاری و پیشرفت در حوزه حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون می‌تواند تصویر ترکیه را به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد برای اتحادیه اروپا تقویت کند و درعین حال موجب افزایش همکاری‌های انرژی شود. درنهایت، ترکیه باید نشان دهد که می‌تواند به‌عنوان یک کریدور انرژی پایدار و امن عمل کند، درحالی‌که تلاش می‌کند تا هویت فرهنگی و اجتماعی خود را به‌گونه‌ای حفظ کند که با ارزش‌های اروپایی همخوانی داشته باشد. این رویکرد ممکن است به کاهش شکاف‌ها در سیاست انرژی و همچنین تسهیل فرآیند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا کمک کند.

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا مسئله پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا از منظر دو پارادایم انرژی و هویت بررسی شود. با استفاده از چارچوب نظری کپنهاگ که بر ابعاد امنیتی و اجتماعی روابط بین الملل تأکید دارد، به تحلیل عمیق تر مفاهیم امنیتی پرداخته و نشان داده شد که امنیت تنها محدود به جنبه های نظامی و اقتصادی نیست، بلکه شامل ابعاد اجتماعی و هویتی نیز می شود. این چارچوب به درک تعاملات میان امنیت انرژی و هویت کمک کرده و چالش ها و فرصت های موجود در مسیر الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا را روشن می سازد. هویت فرهنگی و اجتماعی، به ویژه در زمینه نگرانی های مرتبط با فرهنگ، تاریخ و سیاست، به عنوان مانعی اساسی در پذیرش ترکیه از سوی اتحادیه اروپا مطرح شده است. در حالی که نیازهای انرژی به عنوان یک عامل مهم شناسایی می شوند، نتوانسته اند به اندازه کافی بر نگرش های هویتی غلبه کنند. این پژوهش نشان می دهد که چگونه این دو عامل در تصمیم گیری های اروپا تأثیر گذاشته و باعث شده اند که هویت در این فرآیند نسبت به انرژی اولویت بیشتری داشته باشد.

ترکیه به عنوان یک کریدور استراتژیک برای انتقال انرژی به اروپا، نقش مهمی در امنیت انرژی این قاره ایفا می کند و می تواند به کاهش وابستگی اروپا به منابع انرژی دیگر، به ویژه روسیه، کمک کند؛ اما این امنیت بستگی به مدیریت و کنترل مؤثر مسیرها و منابع انرژی دارد و باید به تنش ها و رقابت های موجود در این حوزه توجه شود. به طور کلی، این پژوهش تلاش می کند تا درک عمیق تری از چالش ها و فرصت های پیشروی ترکیه در راستای پیوستن به اتحادیه اروپا ارائه دهد.

در زمینه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، عواملی وجود دارند که می توانند باعث شوند انرژی بر هویت اولویت پیدا کند. وابستگی شدید اتحادیه اروپا به منابع انرژی خارجی، نقش ترکیه

به عنوان یک کریدور انرژی استراتژیک را مهم‌تر می‌کند و این امر می‌تواند اولویت انرژی را در مذاکرات الحاق تقویت کند. همچنین، منافع اقتصادی و تجاری مرتبط با انرژی می‌تواند فشار بر هویت‌های اجتماعی و فرهنگی را کاهش دهند و تحولات ژئوپلیتیکی ممکن است امنیت انرژی را به موضوعی حیاتی تبدیل کند. از سوی دیگر، هویت نیز می‌تواند بر مسائل انرژی تأثیر بگذارد. نگرانی‌های فرهنگی و تاریخی، به‌ویژه در زمینه‌های مذهبی و قومی، می‌توانند مانع از پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا شوند و بر همکاری‌های انرژی تأثیر بگذارند. علاوه بر این، تضاد میان ارزش‌های هویتی و اصول دموکراسی اتحادیه اروپا می‌تواند توسعه همکاری‌های انرژی را به چالش بکشد. به‌طور کلی، تعاملات پیچیده میان انرژی و هویت در زمینه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که در شرایط مختلف، یکی از این دو جنبه می‌تواند اولویت یابد. این وابستگی‌ها و چالش‌ها نیاز به تحلیل دقیق‌تری دارند تا راهکارهای مناسب برای تسهیل الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا شناسایی شود.

منابع

امینیان، بهادر (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک انرژی: اتحادیه اروپا و امنیت انرژی، فصلنامه ژئوپلیتیک،

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۰۷-۸۲

صدیق، میر ابراهیم؛ سلیمی، جلال‌الدین؛ فخاری، رامین (۱۴۰۳)، پیامدهای جنگ اوکراین بر اقتصاد و جایگاه ژئواکونومیک ترکیه ۲۰۲۲-۲۰۲۴، سال ششم، شماره بیستم، تابستان ۱۴۰۳، صص

۵۶-۸۸

عابدی گناباد، رضا، (۱۳۸۹)، دلایل عدم الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، آفاق امنیت، شماره ۷

عطایی، فرهاد؛ نظری، محمدحسین (۱۳۹۰)، سیاست انرژی اتحادیه اروپا و تأمین نفت و گاز

از روسیه و حوزه دریای خزر، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱،

صص ۱۶۴-۱۴۷

ab.gov (2022), https://www.ab.gov.tr/66_en.html

Desai, S. (2006, jul 17). Retrieved from Turkey in the European Union: A Security Perspective – Risk or Opportunity?: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/14702430500492807#>

Esthinktank(2023),<https://esthinktank.com/2023/02/13/using-a-scalar-perspective-for-approaching-european-migration-policies-reform-a-provocative-reflection-on-the-case-of-the-international-alliance-of-safe-harbours>

eur-lex.europa. (2011). Document 52011DC0666. Retrieved from COMMUNICATION FROM THE COMMISSION TO THE EUROPEAN PARLIAMENT AND THE COUNCIL Enlargement Strategy and Main Challenges 2011-2012: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/en/TXT/?uri=celex%3A52011DC0666>

Shs.cairn (2013),<https://shs.cairn.info/revue-l-europe-en-formation-2013-1-page-109?lang=fr>

STONE, Marianne(2009) Security According to Buzan: A Comprehensive Security Analysis, Columbia niversity